



International Journal of Advanced Academic Studies

E-ISSN: 2706-8927

P-ISSN: 2706-8919

www.allstudyjournal.com

IJAAS 2021; 3(1): 52-58

Received: 14-11-2020

Accepted: 18-12-2020

پوهنپار فضل الرحمن فانز

بررسی تطبیقی دیت و احکام آن از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی و کود جزای افغانستان

پوهنپار فضل الرحمن فانز
عضو دبپار تمننت علوم وفر هنگ
اسلامی پوهنچی تعلیم وترپیه،
موسسه تحصیلات عالی سمنگان

پیشگفتار

بنام خداوند عالی مرتبه که انسان را اشرف مخلوقات آفرید و تاج کرمانا را بر فرق وی گذاشت و از سائر مخلوقات برتری بخشید و درود بی پایان بر روان پاک حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و سلم) که پیروانش را با نعمت علم و دانش هدایت فرمود و از تاریکی بسوی روشنی سوق داد.

اسلام عزیز دین کامل بوده و راهنما و گره گشای تمامی مشکلات افراد بشر تا قیامت می باشد و این شمولیت و کمال احکام اسلامی تمامی ابعاد زندگی بشر را احتوا می کند و در کل هدف از اشریع احکام در نظام اسلام همانا جلب مصلحت و دفع ضرر است که یکی از مصالح آن عبارت از حفظ جان انسانها می باشد که شارع حکیم بواسطه تشریح حکم قصاص، دیت و کفاره، خواسته است تا این مهم (حق داشتن حیات) محفوظ و مصنون بماند.

شریعت اسلامی آنچه را مربوط به فرد است و آنچه را که به جامعه تعلق میگرد بیان داشته و همه راه و روش های را که باعث اصلاح فرد و جامعه می شود را روشن ساخته است. ازین رو این شریعت کاملترین شرایع و آخرین شریعتی است که برای هیچ گروه، قوم، ملت و دولت مختص نبوده، بلکه شریعت همه بشریت است.

در اخیر جا دارد کمال سپاس و امتنان نمایم از تمامی استادان گرامی این مؤسسه که با تشریف آوری شان در این جا بنده را افتخار بخشیدند. و از الله متعال برای یکایک شما خوبان سعادت و سلامتی و اجر عظیم را استدعا و مسألت دارم.

چکیده

مرگ مقتول در قتل عمد یکی از موارد امکان اجرای قصاص است؛ چون شارع مقدس در قبال قتل ناحق، قصاص را وضع نموده چنانچه می فرماید: (یا ایها الذین آمنوا کتبت علیکم القصاص فی القتل الحز بالحر والعبد بالعبد والأنتی بالانثی فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف وأداء إلیه بإحسان ذلك تخفیف من ربکم ورحمة فمن اعتدی بعد ذلك فله عذاب ألیم) (بقره، ۱۷۸)؛ اما اگر دلایل کافی جهت اثبات قتل به عنوان قتل عمدی پیدا نشد و شرایط لازم جهت استیفای قصاص وجود نداشت با تاسی از ماده ۲ کود جزای افغانستان، حکم قصاص منتفی دانسته شده و جای آن را مجازات تعزیری خواهد گرفت. از نظر فقه مذاهب در صورت عدم تطبیق قصاص در قتل عمد، دیه یا همان خونبها به عنوان مجازات بدلی برای قاتل از مال خود وی در نظر گرفته شده و در قتل شبه عمد و خطا مجازات اصلی آن پرداخت دیه از مال عاقله می باشد؛ چنانچه الله متعال می فرماید: (وما کان لمؤمن أن یقتل مؤمناً إلا خطئاً ومن قتل مؤمناً خطئاً فتنحریر رقیبة مؤمنة ودية مسلمة إلى أهله إلا أن یصدقوا فإن کان من قوم عتو لکم وهو مؤمن فتنحریر رقیبة مؤمنة وإن کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدية مسلمة إلى أهله وتنحریر رقیبة مؤمنة فمن لم یجد فصیام شهرین متتابعین توبة من الله وکان الله علیماً حکیماً) (نساء، ۹۲). در رابطه به قتل شبه عمد و خطا و این که پرداخت دیه چنین قتلی برعهده خود جانی است و یا عاقله؟ میان فقیهان اتفاق نظر وجود ندارد. نگارنده در این مقاله بر آن است تا ادله موافقان و مخالفان پرداخت دیه را مورد بررسی و نقد قرار داده و کیفیت شمول قاعده «هدر نشدن خون مسلمان» بر مسأله مرگ قاتل عمد تبیین دارد به نحوی که قاعده مزبور دلیل ثبوت دیه دانسته شود و در ضمن مقدار مجازات انواع قتل و جراحات را از منظر کود جزا مورد مقارنه و تطبیق قرار داده است.

Corresponding Author:

پوهنپار فضل الرحمن فانز
عضو دبپار تمننت علوم وفر هنگ
اسلامی پوهنچی تعلیم وترپیه،
موسسه تحصیلات عالی سمنگان

1. مقدمه

الحمد لله رب العالمين ، والصلاة والسلام على رسوله النبي الامين الذي ارسل رسوله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون.

دين مقدس اسلام دين كامل بوده كه براي كاهه بشريت مخصوصاً مسلمانان، در صورت عملي نمودن تعاليم جاويدانش، هرگونه فلاح و رستگاري را تضمين نموده است.

شريعت اسلامي آنچه را مربوط به فرد است و آنچه را كه به جامعه تعلق ميگردد بيان داشته و همه راه و روش هاي را كه باعث اصلاح فرد و جامعه مي شود را روشن ساخته است. از اين رو اين شريعت كاملترين شرايع و آخرين شريعتي است كه براي هيچ گروه، قوم، ملت و دولت مختص نبوده، بلكه شريعت همه بشريت است. آنچه كه در آن شك و ترديد وجود ندارد اينست كه بزرگترين محصول تمدن جهان شمول اسلام همانا بنيان گذاري عدل و داد گستري بوده كه بالاي قواعد و اساسات تعاليم جاويدان و حيات بخش آن استوار است. با در نظر داشت فهم اين مطلب، فقهاي شريعت اسلامي به منظور حل مشكلات جنايي درمورد جرايم مختلف اهتمام وتوجه همه جانبه ومساعي خستگي ناپذير به خرج داده و درين راه گام هاي وسيع برداشته اند. فقهاء و دانشمندان اسلامي عميقاً وارد اين موضوع شده و به تحقيق پرداخته و جرايم را با همه انواع آن يعني جرايمي را كه امنيت جامعه را تهديد ميكند و يا اينكه جان ومال مردم را به مخاطره مي اندازد را مورد برسي قرار داده و راجع به مسوليت جاني و وسايل مجازات و آنچه كه موجب حدود ميشود را طور دقيق و همه جانبه بيان داشته اند. نقش ديت در تأمين امنيت چنان برجسته است كه در صورت عدم اعمال اين قاعده جامعه به طرف هلاكت خواهد رفت و شيرازه نظام امن عامه را برهم خواهد خورد و موجبات تشويش و نگراني هاي پيهم مردم را به وجود خواهد آورد؛ بنا بر اين موضوع (ديت) يگانه وسيله و راه حل براي جلوگیری از انتقام جویی و خونريزی دانسته شده و شارع حكيم با وضع آن خواسته است تا امن و نظم را در جامعه انساني تأمين نمايد. (۴: ص ۱۵۴)

2. طرح تحقيق

واضح است كه انسان يك موجود اجتماعي است و زندگي باهمي انسانها زاینده بعضی اعمال و اموراتی است كه آسایش جامعه را تهديد نموده و باعث اختلال در روند زندگي اجتماعي و ضياع حقوق افراد آن جامعه مي گردد مانند: تجاوز بر نفس و جسم انسانها، گرفتن حيات اشخاص و افراد، معيوب ساختن اعضاي بدن انسانها و... براي جلوگیری از اين گونه اعمال، دولتها اعم از اسلامي و غير اسلامي كوشيده است تا با وضع بعضی قواعد و مقررات مانند: ديت و جزاهای تعزیری انجام اینگونه اعمال را در جوامع به حد اقل رسانیده و با تطبيق این مقررات پایه عدل را بنا نهاده و باعث عبرت دیگران گردد.

اهمیت تحقیق : چون دیت یکی از مواردی است که برای تطبیق عدالت و اصلاح جوامع اعمال می گردد، بدین اساس دانستن و بررسی این موضوع در جوامع اسلامی با ابعاد شرعی آن حائز اهمیت می باشد.

هدف تحقیق: دیت وصفی است که شریعت اسلام و قانون بخاطر جلوگیری از تجاوز بر نفس و جسم انسانها وضع کرده تا کسانی که مرتکب این پدیده های زشت (قتل، ضرب، جرح، معلولیت و

معیوبیت) و خدشه دار کردن زندگی باهمی در اجتماع می گردد، باید جزای دیت بالای اوشان تطبیق گردد تا از این طریق مرتکبین این اعمال نا شایست جهت تطبیق و تحقق عدالت در جوامع، به جزای عمل خویش برسند.

هدف از تحقیق و بررسی این موضوع در واقع دستیابی به راه های جلوگیری از جنایات بزرگ مثل قتل بوده و مطالعه و اعمال این امر برای جلوگیری و تنبیه ناشی از انجام این نوع اعمال بوده و در نتیجه تطبیق این نظام مصلحت حفظ جان انسان ها را در پی دارد.

سوال های تحقیق

- 1- چرا شارع در قتل عمد در صورت عدم اثبات آن و یا عفو اولیای مقتول، قاتل را به پرداخت دیه مکلف نموده است؟
- 2- چرا عده ی از فقهاء دیه زن را نصف دیه مرد دانسته اند؟
- 3- پرداخت دیه در قتل خطاء چرا به دوش عاقله است؟

فرضیه های تحقیق

- 1- دیه از جمله اعمال تنبیه کننده بوده و از جمله مجازات مالی محسوب می گردد كه شارع حكيم براي تطبیق عدالت در جوامع و مهمتر از همه برای اصلاح و باز پروری افراد مجرم و بخاطر جلوگیری از حس انتقام جویی و خونریزی، آن را مقرر داشته تا آمار وقوع جرم در جامعه به حد اقل برسد.
- 2- باور عده ی از فقهاء بر این است كه زن چون از لحاظ نفقه مسولیت ندارد بناء اگر كشته هم شود كدام خلاء بزرگ در فامیل احساس نمی گردد بناء دیه شان نصف مرد است و در ضمن به این باور اند كه در امر شهادت و میراث چون حق شان نصف است پس دیه شان نیز نصف می باشد.
- 3- چون شارع حكيم بندگان را به تعاون و همکاری نسبت به هم تشویق نموده و این امر در خصوص پرداخت دیه نیز صادق است.

3. دیت (خونبها)

دين مقدس اسلام براي حفظ مصالح بندگان احكامی را وضع نموده است كه علما اهم اين مصالح را به پنج مورد خلاصه کرده اند: حفظ دين، حفظ جان، حفظ مال، حفظ شرف و عزت و حفظ عقل. در خصوص حفظ جان، دين مقدس اسلام مجازات قصاص را وضع نموده است يعني اينكه هرگاه کسی شخصی را بکشد مجازات اصلی قاتل قصاص است البته اگر این جنایت عمدی باشد، در صورتی كه قتل از نوع خطا بوده و قاتل قصد چنین کاری را نداشته باشد پس باید بخاطر جبران خون مقتول، به اولیای وی دیه (خونبها) بپردازد.

كود جزای افغانستان در ماده ۲ بند اول چنین تصریح میدارد: (۱) این قانون جرایم و جزاهایی تعزیری را تنظیم می نماید. هدف از بند اول این ماده آن است كه كود جزا در خصوص آنچه كه مربوط به حدود و قصاص و ديات می گردد کاری نداشته و در بند دوم همین ماده به صراحت آن را ارجاع به فقه احناف می دهد و اینگونه تصریح می دارد: (۲) مرتكب جرایم حدود، قصاص و دیت، مطابق احكام فقه حنفی شریعت اسلام مجازات می گردد.

چنانچه دیده شد كود جزا صرفا موارد تعزیری را مورد بررسی قرار داده و در صورت عدم تحقق شرایط حدود، قصاص و ديات، قضاات مكلف به مراجعه به كود جزا خواهند بود. بناء

کود جزا در صورت عدم تحقق شرایط قصاص در قتل عمد مجازات آن را چنین بیان داشته است:

ماده ۵۴۷: (۱) مرتکب قتل عمد در یکی از حالات ذیل به اعدام یا حبس دوام درجه ۱ محکوم می‌گردد:

- ۱- در حالتی که قتل با برنامه ریزی قبلی و ترصد همراه باشد.
- ۲- در حالتی که قتل با استعمال مواد سمی کشنده یا مواد انفجاری یا حریق صورت گرفته باشد.
- ۳- در حالتی که قتل با انگیزه دنی یا در برابر اجرت و یا با شکنجه و آزار و اذیت صورت گرفته باشد.
- ۴- در حالتی که مقتول موظف خدمات عامه بوده و قتل در اثنای اجرای خدمت یا در ارتباط به آن صورت گرفته باشد.
- ۵- در حالتی که قاتل قصد قتل بیش از یک نفر را داشته و به اثر یک عمل همه آنها به قتل رسیده باشند.
- ۶- در حالتی که قتل توأم با جنایت یا جنحه عمدی دیگر صورت گرفته باشد.

۷- در حالتی که قاتل به حبس دوام درجه ۱ محکوم شده، در خلال مدت تنفیذ حکم مرتکب قتل عمد دیگر گردیده باشد.

۸- در حالتی که قاتل بعد از قتل، جسد را مثله نموده باشد.

۹- در حالتی که مقتول از اصول قاتل باشد.

۱۰- در حالتی که قتل به منظور تمهید یا تسهیل و یا قادر شدن به ارتکاب جنایت یا جنحه که جزای آن کمتر از یکسال حبس نباشد و یا به منظور فرار یا رهایی از جزا صورت گرفته باشد.

(۲) مرتکب قتل عمد در غیر از حالات مندرج فقره (۱) این ماده، به حبس دوام درجه ۲ محکوم می‌گردد.

کود جزا در رابطه به مجازات قتل غیر عمدی که به واسطه ضرب و جرح منجر به مرگ شخص گردیده است اینگونه صراحت دارد:

ماده ۵۵۱: شخصی که بدون داشتن قصد قتل علیه شخص دیگری با وارد نمودن ضرب، جرح یا دادن مواد مضره و یا با ارتکاب هر نوع عمل مخالف قانون عمدا تجاوز نماید به نحوی که فعل او منجر به مرگ مجنی علیه گردد، مرتکب ضرب یا جرح به مرگ شناخته شده مطابق احکام این فصل مجازات می‌گردد.

ماده ۵۵۲: مرتکب جرم ضرب یا جرح منجر به مرگ، به حبس طویل محکوم می‌گردد.

کود جزا در خصوص مجازات قتل خطاء که فاعل آن هیچگونه قصد عمدانه بخاطر از بین بردن شخص مجنی علیه نداشته اما ناخودآگاه چنین اتفاقی افتاده است را چنین بیان میکنند:

ماده ۵۵۴: شخصی که به اثر خطای ناشی از إهمال، غفلت، بی احتیاطی، بی پروایی یا عدم مراعات قانون، یا اوامر، دیگری را به قتل برساند یا بدون عمد، سبب قتل گردد، مرتکب قتل خطاء شده، مطابق احکام این فصل مجازات می‌گردد.

ماده ۵۵۵: مرتکب قتل خطاء، به حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا یک صد و هشتاد هزار افغانی، محکوم می‌گردد.

1-5: تعریف دیت

دیه مالی است که به سبب وقوع جنایات واجب میشود و به مجنی علیه یا اولیای او پرداخت میگردد. دیه برای چیزهای پرداخت میشود که قصاص دارد و برای چیزهای نیز پرداخت میشود که قصاص ندارد و دیه را «عقل» نیز می‌نامند از آن جهت دیه را عقل مینامند چون قاتل وقتی که مرتکب قتل شد دیه را از شتران جمع میکند و آنها را در حیات اولیای مقتول زانو میندند تا به آنان تسلیم کند. (6: ص 1912)

الف: معنای لغوی دیت: دیت به معنای خون بها آمده است یعنی پولی که در ازای خون مقتول به باز مانده گان او دهند.

ب: معنای اصطلاحی دیت: دیت عبارت از یک مقدار مالی که شارع آنرا در برابر جنایتی که بر نفس و یا مادون نفس واقع شده مقرر کرده است.

2-5: مشرو عیت دیت از دیدگاه شریعت اسلامی

از نظر شریعت اسلامی مجازات بدل قتل عمدی و مجازات اصلی در قتل خطا دیت بوده و مصدر تشریح این مجازات قرآن و سنت میباشد؛ چنانچه خداوند (ج) میفرماید: وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ (92) (النساء، 92)

و هیچ مؤمنی را نسرزد که مؤمنی را جز به اشتباه بکشد و هرکس که مؤمنی را به اشتباه کشت باید بنده مؤمنی را آزاد و به خانواده آن خون بها پرداخت کند.

و همچنان پیامبر اسلام (ص) میفرماید: (قَتِيلُ الْخَطَا سَبَبُ الْعَمَدِ بِاللِسُوطِ وَالْعَصَا مَاتَهُ مِنَ الْإِبِلِ أَرْبَعُونَ مِنْهَا فِي بُطُونِهَا أَوْلَادُهَا) مقتول خطا و شبه عمد که با تازیانه یا عصا کشته شود دیت صد شتر است که چهل رأس آن حامله باشد.

3-5: نوع دیت و مقدار آن

در ارتباط به تعیین نوع دیت فقها اختلاف کرده اند.

الف- از نظر امام ابوحنیفه، امام مالک و امام شافعی در مذهب قدیمش پرداخت دیت از یکی از چیزهای سه گانه ذیل واجب میباشد که عبارت اند از شتر، طلا، و نقره زیرا پیغمبر (ص) میفرماید: قَتْلُ الْخَطَا وَ سَبَبُ الْعَمَدِ بِاللِسُوطِ وَالْعَصَا مَاتَهُ مِنَ الْإِبِلِ أَرْبَعُونَ مِنْهَا فِي بُطُونِهَا أَوْلَادُهَا. (السنن الکبری للبيهقي، ۱۵۹۹۸).

مقتول خطا و شبه عمد که با تازیانه یا عصا کشته شود دیت آن صد شتر است که چهل رأس آن حامله باشد. و همچنان حضرت عمر (رض) دیت نفس را از طلا یک هزار دینار و از نقره ده هزار درهم مقرر کرده است.

ب- از نظر امام احمد و صاحبین (ابو یوسف و محمد) از فقهای حنفی، پرداخت دیت از یکی از چیزهای شش گانه ذیل واجب میباشد که عبارت اند از شتر، طلا، نقره، گاو، گوسفند و لباس، دلیل آنها این است که حضرت عمر (رض) طی خطبه ای که ایراد میکرد گفت: قیمت شتر بلند رفته است راوی میگوید، پس کسانیکه دینار داشتند هزار دینار، و برکسیکه نقره داشتند ده هزار درهم و بر کسیکه گاو داشتند دو صد رأس گاو و بر کسیکه گوسفند داشتند دو هزار رأس گوسفند و بر کسانیکه رخت داشتند دوصد جوهره لباس تعیین کرد.

ج- امام شافعی در مذهب جدیدش میگوید اگر شتر موجود باشد قاتل باید صد شتری را که خالی از عیب اند برای ولی مقتول تسلیم دهد در غیر آن قیمت همان صد شتر را از پول رایج کشور متبوعش میپردازد. (5: ص 264-277)

4-5: دیه مغلظه و مخففه

دیه دو نوع است که مغلظه یا سنگین و مخففه یا سبک که دیه سبک به هنگام قتل خطاء و دیه سنگین به هنگام قتل عمد و شبه عمد واجب میشود.

امام شافعی و حنابله میگویند: در قتل عمدی اگر اولیای مقتول از قصاص گذشت کنند در این صورت دیه سنگین واجب میشود.

ولی ابو حنیفه می گوید در قتل عمد دیه نیست بلکه در قتل عمد چیزی واجب میشود که طرفین بر آن صلح و توافق میکنند و باید به صورت نقدی و بدون وعده پرداخت کرد.

دیه سنگین عبارت است یک صد شتر که چهل آن حامله باشد چون احمد و ابوداود و نسائی و ابن ماجه از عقبه و یکی از اصحاب نقل کرده اند که پیامبر (ص) گفت: دیه قتل خطاء و شبه عمد که بوسیله شلاق و عصا و سنگ روی دهد دیه آن سنگین است که یک صد شتر است که چهل عدد آنها از شتران باشد که شش سال را تمام کرده و آنها آبستن حامله باشند. و دیت زمانی مغلط میباشد که شتر منحیث دیت پرداخت شود اما در صورت پرداخت طلا و یا نقره دیت مخففه خواهد بود، بیان این مطلب از این قرار است.

5-5: زمان ادای دیت

در ارتباط به اینکه آیا دیت به طور معجل پرداخته میشود و یا به طور مؤجل؟ فقها اختلاف نظر کرده اند:

الف- از نظر فقهای حنفی دیت قتل عمد توسط خود جانی، و دیت قتل شبه عمدی و خطاً توسط عاقله در مدت سه سال پرداخته میشود.

ب- دیت قتل شبه عمدی و خطاً: به اتفاق همه فقها توسط عاقله در مدت سه سال پرداخت میشود. زیرا حضرت عمر (رض) مبنی بر اینکه دیت را باید عاقله در ظرف سه سال بپردازند حکم کردند و هیچ کسی با آن مخالفت نکرده است.

ج: دیت قتل عمدی از دید جمهور فقهاء توسط خود جانی به طور معجل پرداخت میشود. (8: ص. 5712)

5-6: دیه جنین

هرگاه جنابیتی بر یک زن آبستن وارد شود خواه به عمد باشد و یا به خطاً، جنین بمیرد و مادرش زنده باشد، دیه آن جنین «غره» است خواه جنین از مادرش جدا شده بمیرد و یا در شکم مادرش بمیرد خواه پسر باشد یا دختر دیه آن «غره» است. عده ای از علمای حنفی گفته اند «غره» پانصد درهم و یا یکصد گوسفند است و بعضی گفته اند که پنج شتر یا پنجاه دینار می باشد. (زحیلی، ۱۹۹۷ ج ۷، ۵۷۷۱). هرگاه جنین زنده از مادرش جدا شود پس بمیرد دیه آن کامل است.

طبق ماده ۵۶۹ کود جزا، (۱) شخصی که عمدا جنین زن حامله را از بین ببرد یا آن را قبل از موعد طبیعی تولد بیرون آورد، مرتکب جرم اسقاط جنین می گردد.

(۲) هرگاه در جرم اسقاط جنین شرایط اقامه دیت تکمیل نگرند یا به نحوی از انحا ساقط شود، مرتکب مطابق احکام این فصل، مجازات می گردد.

ماده ۵۷۰ کود جزا مجازات سقط جنینی را که از به واسطه یا هر نوع اذیت ساقط شده باشد را چنین بیان داشته است: (شخصی که عمدا جنین زن حامله را از طریق ضرب یا هر نوع اذیت دیگر اسقاط نماید، به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می گردد).

5-7: عاقله (اشخاصی که دیت را می پردازند)

اصل در شریعت اسلامی این است که اگر جرم عمدی باشد، خواه بر نفس باشد، یا بر اعضا، دیت آن از مال شخصی مجرم پرداخت میشود؛ ولی اگر مجرم صغیر یا مجنون باشد در ارتباط به اینکه چه کسی مسئولیت دارد پرداخت دیت را به عهده بگیرد؟ فقها اختلاف نموده اند. جمهور فقها به این نظر اند که دیت واجب شده بر مجنون و یا صغیر را باید عاقله وی بپردازند؛ زیرا ایشان قتل عمدی مجنون و صغیر را از جمله قتل خطا میدانند برای اینکه این دو شخص به علت قصور درک و عقل، قصد مجرمانه ندارند؛ بنابر این کار عمدی آنها به خطا ملحق میگردد.

در مذهب شافعی دو قول است که یکی قول مرجوح که با نظر فوق موافق میباشد و دیگری قولی راجح که میگویند فعلی عمدی صغیر و مجنون، عمدی به حساب می آید؛ زیرا تأدیب هردو در برابر فعل عمدی جایز است و چون قصاص به سبب کودکی و دیوانگی ممکن نیست پس فعل عمدی هردو عمدی شمرده میشود و به پرداخت دیت از مال شخصی آنها حکم میگردد.

و همچنان در رابطه به اینکه آیا در شبهه عمدی و خطاً در نفس و اعضا، عاقله کل دیت را میپردازند یا خیر؟ فقها باهم اختلاف دارند. امام مالک میگوید: اگر مقدار دیت به ثلث دیت کامل بالغ گردد آن را عاقله باید بپردازند، و اگر مقدار آن کم تر از یک ثلث دیت کامل بود پرداخت آنها تنها به عهده خود جانی است. و امام احمد میگوید: اگر مقدار دیت بالغ به ثلث دیت کامل و یا اضافه تر از آن گردد، آنرا باید عاقله بپردازد و اگر کمتر از آن باشد آنرا خود جانی میپردازد؛ زیرا از حضرت عمر (رض) روایت است که آنحضرت در مورد دیت چنین فیصله نموده است. و دیگر اینکه مقتضای اصل این است که دیت را باید خود جانی بپردازد؛ زیرا جانی است که جرم را مرتکب شده است؛ بنابر این باید جزای آنرا خود او شخصاً تحمل کند. اما اینکه در صورتی که دیت بالغ به ثلث و یا اضافه بر آن میشود بر عاقله مقرر گردیده است به خاطر تخفیف از جانی و اگر مقدار دیت کمتر از ثلث باشد در این حالت پرداخت دیت بر جانی ثقیل تمام نمیشود، بنا بر این خود جانی آن را میپردازد.

امام ابو حنیفه میگوید: اگر مقدار دیت اضافه از نصف عشر دیت کامل باشد در پرداخت آن عاقله سهم میگیرد و اگر مقدار آن کم تر از نصف عشر بود پرداخت آن به عهده خود جانی میباشد دلیل این است که از پیامبر (ص) روایت شده است که عاقله نه دیت قتل عمد و نه مادون آن (ارش) را میپردازد. ارش عبارت است نصف عشر دیت کامل.

و امام شافعی میگوید: در هردو عاقله باید تحمل پرداخت دیت کند زیرا کسی که ملزم به ادای کثیر میشود مقدار کم را باید به طریق اولی بپردازد.

و امام ابو حنیفه و امام مالک میگویند: در صورتیکه عاقله متحمل پرداخت دیت گردید شخص مجرم نیز مانند یکی از افراد عاقله حصه خود را میپردازد، ولی امام شافعی میگوید: جانی متحمل چیزی نمیشود. (10: ص: 281-282)

5-8: مفهوم عاقله

عاقله کسانی هستند که متحمل پرداخت دیه جنایت خطای محض میشوند. یا از جهت آن است که عاقله از عقل به معنای بسن مستق شده روی همین جهت رسن را عقل گویند از جهت آنکه شترها را بابت تحویل به ولی مقتول، می بندند. یا اینکه عقل از معنای دیه مشتق شده از جهت آنکه دیه زبان ولی مقتول را می بندد و یا از عقل به معنای «منع کردن» مشتق شده از جهت آنکه خویشاوندان جنایت کار در زمان جاهلیت یعنی پیش از اسلام اولیای مقتول را مانع تعرض به قاتل میشدند و در اسلام بامال مانع تعرض میشوند. (9: ص 479)

و همچنان در این ارتباط فقهای حنفی میگویند: عاقله کسانی اند که پرداخت عقل (دیت) را متحمل میشوند. عقل عبارت از دیت میباشد و دیت را به این علت عقل میگویند که زبان ولی مقتول را از تعرض و دعوی منع میکند، زیرا عقل در زبان عربی به معنای منع کردن آمده است. عاقله قاتل عبارت از عصبیات او میباشد. عصبیات تمام افراد نسبی را شامل میشود اگر چه خیلی بعید هم باشد. زیرا تمام ایشان عصبه محسوب شده و مستحق میراث میشوند. عاقله به پرداخت آن مقدار مال که منجر به وقوع

آن در مشقت شود مکلف ساخته نمیشوند؛ زیرا آنها بدون اینکه کدام جنایتی را مرتکب شوند به پرداخت دیت ملزم میگردند تا به جانی همکاری صورت گیرد. پس نباید مواسات با مجرم سبب ظلم بر دیگران گردد و اگر ظلم بر کسی می بود باید قبل از همه بر مجرم نافذ میشد، برای اینکه او مرتکب جنایت گردیده و باید او جزای اعمال خود را متحمل شود.

فقها اختلاف نظر در اندازه مالی بر هر فرد عاقله نموده اند. امام مالک و امام احمد می گویند: تعیین مقدار دیت بر هر فرد به عهده حاکم است که پرداخت همان اندازه مال را تعیین میکند که سبب مشقت بر او نگردد. و در روایتی از امام مالک آمده است که بر هر فرد توانگر نصف مثقال و بر هر فرد متوسط الحال ربع مثقال از طلا مقرر میگردد. و مذهب شافعی نیز چنین است. ولی امام ابو حنیفه میگوید: بر هر فرد اعم از توانگر و متوسط الحال اضافه تر از سه الی چهار در هم مقرر نگردد.

اشخاص فقیر، مجنون طفل، و زن مکلف به پرداخت دیت نمیباشند زیرا تحمیل دیت بر فقیر ظلم است، طفل مجنون و زن اهل کمک و یاری در دیگران نیستند، بلکه اگر باشند پرداخت دیت بر عاقله آنها میباشد.

اما اگر جانی اصلاً عاقله نداشته باشند و یا عاقله داشت، ولی آنها فقیر بودند و یا تعداد آنها کم بود و تمام دیت را پرداخت نمیتوانستند در این صورت فقها به دو شکل اظهار نظر نموده اند: یکی آنکه پرداخت دیت به عهده بیت المال میباشد، این رای به امام مالک، امام شافعی، امام احمد و ظاهر مذهب امام ابو حنیفه نسبت داده شده است. و دیگر آنکه باید دیت از مال خود جانی پرداخت شود، برای آنکه مجرم بوده، پس مسئول نیز میباشد و این رای به امام محمد از اصحاب امام ابوحنیفه منسوب کره شده است.

5-9: فلسفه تشریح و قانونگذاری عاقله در شریعت اسلامی یکی از قواعد مسلم در تشریح اسلامی به طور عام، در حقوق جزای اسلام به طور خاص، این است که جرم مسئولیت شخصی است این قاعده در حقوق جزا بدین معنی است که هیچ کس مسئولیت جنایی ندارد، مگر اینکه مرتکب جرم شود و هیچ کس به گناه کس دیگری مجازات نخواهد شد. زیرا خداوند (ج) میفرماید: قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ وَ هُوَ رَبُّكُمْ كُلُّ شَيْءٍ وَ لَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ. ﴿الأنعام، 164﴾

بگو آیا جز خدا پروردگاری نجویم یا اینکه او پروردگار هر چیزی است و هیچ کس جز بر زیان خود گناهی انجام نمیدهد و هیچ بار برداری بار گناهی دیگری را بر نمیدارد آنگاه بازگشت شما به سوی پروردگار تان خواهد بود پس ما را به آنچه که به آن اختلاف میکردید آگاه خواهد کرد. ((مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَ مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا)) (15) ﴿الأسراء، 15﴾

هرکس به راه آمده تنها به سود خود به راه آمده و هرکس به بیراهه رفته تنها به زیان خود به بیراهه رفته است. و هیچ بردارنده ای بار گناه دیگری را بر نمی دارد و ما تا پیامبری برنگزینیم به عذاب نمی پردازیم.

این اصل کلی است که همواره به آن در حقوق جزا عمل شده و هیچ نوع استثنای در آن راه نداشته است. ماده ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان با تاسی از احکام شریعت اسلامی نیز در این زمینه میگویند: جرم عمل شخصی است، تعقیب،

گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمیکند.

گروهی از فقها به این نظر اند که قانونگذاری عاقله (دیت بر عاقله است) از آن قانون کلی (جرم مسئولیت شخصی است) استثناء شده است. دسته دیگری از فقهاء میگویند که حکم عاقله از قانون شخصی بودن جرم که یک قاعده کلی است استثناء نشده است. اگر در تشریح اسلامی گروهی موظف شده اند که دیت جنایت خطای یکی از بستگان خود را بپردازند به سبب این است که اسلام به تعاون و مساوات اسلامی توجه داشته است و باید این تعاون و مساوات همواره در مناسبات زندگی اجتماعی مراعات شود. این گونه تعاون های مالی در قانونگذاری های اسلامی چیزی جدیدی نبوده بلکه عمومیت دارد.

از آن جمله میتوان از حقوقی نام که اسلام برای محرومان و فقیران در اموال ثروتمندان قرار داده است. چنانچه خداوند (ج) میفرماید: وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ﴿24﴾ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ ﴿25﴾ (المعارج، 24-25) و آنانی که در مال و دارای خود سهمیه معینی معلوم گردانند تا به فقیران سائل و فقیران آبرومند محروم رسانند.

پرداخت دیت بردوش عاقله نیز از این قبیل است که بر اساس تعاون و همکاری خانوادگی که یک اصل مورد احترام است تشریح و قانونگذاری شده است. کمک به افراد فامیل یا قبیل و بر عهده گرفتن خونبها جنایت خطای یک فرد از افراد خانواده چیزی است که در قبایل عرب قبل از اسلام در شرایطی خاص به آن عمل میشده و همواره از کارهای خوب و پسندیده محسوب می گردیده است. این روش چون به فضایل اخلاقی سازگاری دارد مورد تأیید و امضای قوانین اسلامی قرار گرفته زیرا پیامبر (ص) هدف بعثت در تکمیل فضایل و مکارم اخلاقی را توصیف نموده است چنانچه پیغمبر (ص) میفرماید: إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتِمُّ مَكَارِمَ الْإِخْلَاقِ. من فرستاده نشده ام مگر اینکه فضایل و اخلاق شمارا تکمیل کنم.

اگر یک روز از بد حادثه یکی از افراد خانواده به خطا جنایتی مرتکب شود که هرگز در پدید آوردن آن کوچک ترین دخالتی ارادی نداشته است چه بهتر که عاقله او با پرداختن مبلغی که تحمیل آن بر آنان دشوار نباشد مشکل او را رفع نموده و خسارات وارده بر مجنی علیه یا بر خانواده او را جبران کنند. حوادث ناگوار برای همه کس ممکن است اتفاق بیافتد و ممکن است روز دیگری فرد دیگری از این خانواده خواهی خواهی و از روی خطا به چنین سرنوشتی گرفتار گردد در این صورت کسی که دیروز به کمک عاقله شتافته بود اینک در گروه عاقله قرار گرفته و وظیفه خود میداند که آن دیگری را از گرداب گرفتاری نجات دهد این یک حکم عقلی است که بر اساس عدالت و مصلحت اجتماعی به نحوی تشریح و قانونگذاری شده است که نه بر خانواده مجنی علیه و نه بر جانی برهیچ یک تعدی و ستمی نمیشود از یک طرف جنایتی که بر خانواده مجنی علیه شده است، باید به صورتی جبران گردد و از طرف دیگر کسیکه ناخواسته و به خطا عامل این جنایت قرار گرفته و نیت جنایت وارده مجرمانه نداشته است نیز نباید مسئول و ضامن شناخته شود؛ پس بهترین راه تشریح، دیت در جنایت خطا بر عاقله است و این یکی از ویژگی های حقوق جزای اسلام محسوب میشود. (10 : ص: 286-282)

4. دیت اعضاء و مجازات تعزیری آن

1-6: دیه اعضاء (اندامهای بدن)

در بدن انسان اعضایی هستند که فرد اند مانند: بینی و زبان، و برخی از اندامهای هم اند که جفت اند مانند: دو چشم، دو گوش، دو لب، دو دست، دو پا. (6: ص 1957) هرگاه جنایت بر مادون نفس صورت گیرد در صورت عدم استیفای قصاص، مجازات آن دیه می باشد که فقه اسلامی با توجه به نصوص شرعی برای هریک از جنایات وارده بر اعضاء، مجازات مالی معینی را پیش بینی نموده است. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا فَمَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَن لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُم الظَّالِمُونَ). (مائده/45). (و در [تورات] بر آنان مقرر کردیم که جان در مقابل جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان می باشد و زخمها [نیز به همان ترتیب] قصاصی دارند و هر که از آن [قصاص] درگذرد پس آن کفار [گناهان] او خواهد بود و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داورى نکرده اند آنان خود ستمگرانند).

کود جزای افغانستان نیز پیرامون موضوع فوق در صورتی که شرایط تطبیق قصاص و یا دیت فراهم نگردد مرتکب را مستوجب مجازات تعزیری دانسته و در ماده 575 کود جزا چنین تصریح می دارد:

۱- ضرب: وارد کردن صدمه به بدن است که سبب تورم یا کبودی یا پیچ خوردن مفاصل بدون شکستگی آنها یا خون مردگی یا خونریزی داخلی در بدن شود و با قطع نسج و جاری شدن خون از بدن همراه باشد.

۲- جرح: وارد کردن زخم به بدن است که سبب خراشیدگی یا بریدگی یا پارگی یا قطع عضو یا سوختگی یا شکستگی آن شود و توأم با قطع نسج و خونریزی بیرونی باشد.

ماده 576 کود جزا: (۱) شخصی که عمدا دیگری را طوری مجروح یا مضروب کند که سبب از کار افتیدن عضوی از اعضای بدن یا منجر به معلولیت یا از بین رفتن یکی از حواس وی بطور دائمی گردد، به حبس طویل تا ده سال محکوم می گردد.

(۲) شخصی که عمدا دیگری را طوری مجروح یا مضروب کند که سبب زایل شدن عقل مجنی علیه گردد، به حبس طویل بیش از ده سال، محکوم می گردد.

(۳) هرگاه عمل مندرج فقره (۱) این ماده سبب معلولیت دائمی نگردد، مرتکب به حبس متوسط تا دو سال، محکوم می گردد.

ماده 575 کود جزا: هرگاه ضرب یا جرح سبب معلولیت و از کار افتیدن عضو نشده و سبب ناتوانی از کار گردد، مرتکب با در نظر داشت مدت، قرار ذیل مجازات می گردد:

۱- در صورتی که منجر به ناتوانی از کار تا یک هفته گردد، به جزای نقدی از پنج هزار تا پانزده هزار افغانی.

۲- در صورتی که منجر به ناتوانی از کار بیش از یک هفته تا یک ماه گردد، به جزای نقدی از پانزده هزار تا سی هزار افغانی.

۳- در صورتی که منجر به ناتوانی از کار بیش از یک ماه تا سه ماه گردد، به حبس قصیر. (از سه ماه الی یک سال)

۴- در صورتی که منجر به ناتوانی از کار برای مدت بیش از سه ماه گردد، به حبس متوسط تا دو سال.

اگر شخصی دیگری را قسمی صدمه برساند که باعث تلف شدن اندام دو عضوی وی گردد، دیه آن بصورت کامل واجب میشود

و اگر یک عضو باشد مانند بینی دیه کامل است چون فایده آن در جمع آوری بوی ها بوسیله قصبه بینی است که به دماغ متصل است. و هرگاه قصبه قطع گردد دیگر در بینی فایده ای نیست اگر بینی را شکستند و شکستگی را بدون عیب درمان کند، دیه اش صد دینار است. و اگر با عیب درمان کند علاوه بر صد دینار ارش میپردازد. ارش عبارت از دیه غیر مقدر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و محکمه با در نظر داشت نوعیت و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی علیه و میزان خسارت وارده با در نظر داشت دیه مقدر و با جلب نظر کارشناس و اهل خبره مقدار آن را تعیین می کند. هرگاه بینی را به گونه ای معیوب کند که فقط حس بویای را از دست بدهد دیه اش دو سوم دیه کامل است. هریک از سوراخ های بینی و غضروف (فاصله میان دو سوراخ بینی) یک سوم کل دیه را دارند. (6: ص 1975)

2-6: دیه زخم سر و صورت «شجاع»

زخمی که در سر و صورت پیش آید شجاع نامیده می شود که در کتب فقهی به ده نوع تقسیم شده است که تمام این ده قسم قصاص ندارد مگر زخم موضعه عمدی، بدین جهت این نه قسم دیگر قصاص ندارد زیرا مماثله و مساوات در مکافات آنها ممکن نیست.

اقسام شجاع و زخم های سر و صورت به شرح زیر است:

- 1. خارصه:** پارگی اندک پوست، دیه آن یک شتر است.
- 2. باضعه:** زخمی که علاوه بر پارگی پوست گوشت در گوشت فرو رفته به پوست نازک استخوان نرسیده که به آن متلامحه نیز گفته میشود. از جهت آنکه آن گوشت بعد از شکافتن به هم چسبیده، دیه آن سه شتر است.
- 3. دامیه:** زخمی است که موجب پارگی گوشت شده و خون از آن می ریزد و دیه آن دو شتر است.
- 4. مساحمه:** زخمی که تنها پرده نازک مانده است که به استخوان برسد، دیه آن چهار شتر است.
- 5. متلامحه:** زخمی که شکاف آن بگونه ای است که استخوان پیدا شده است.
- 6. موضعه:** زخمی که شکاف آن به گونه ای است که استخوان پیدا شده است و دیه آن پنج شتر است. اگر زخم های موضعه عمدی باشد قصاص دارد و اگر خطا باشد نصف یک دیه دیه دارد.
- 7. هاشمه:** زخم بگونه باشد که استخوان شکسته و خرد شده است و دیه آن ده شتر است.
- 8. منقله:** زخمی است که استخوان پیدا و نمایان و شکسته و خرد شده و استخوان های از آن جابجا شده است. دیه آن پانزده شتر است.
- 9. مأمومه:** زخمی است که به مغز استخوان می رسد ولی آنرا پاره نمی کند، دیه آن سی و سه شتر است.
- 10. دامغه:** جراحی که کیسه مغز را پاره کند که علاوه بر دیه مأمومه، موجب ارش شدن کیسه مغز نیز می باشد.
- 11. جانفه:** زخمی که به داخل سر نفوذ کند یک سوم دیه است. (6: صص 1976-1979)

5. نتیجه گیری

از زمانی که مردم اقدام به تأسیس جامعه نموده و در میان آنها تعارض خواسته ها و اهداف پدید آمد و انگیزه تجاوز در درون برخی از انسان ها شکل گرفت، همه به این باور بوده اند که

اعمال مجرمانه و منافی اخلاق جامعه قبیح بوده از جمله قتل که سبب سلب حیات از مقتول به صورت ناحق گردیده و موجب بیوه شدن زن و یتیم شدن فرزندان وی می گردد. حق حیات که حق عمومی است و همه بایستی از آن بهرمنند باشند و به هیچ وجه نباید این حق را از آنان گرفت باید مصئون و محفوظ بمانند. ایجاد تزلزل در امنیت عمومی و برهم زدن استقرار جامعه که بخشی از آن به سبب قتل واقع می گردد عملی است در خور نکوهش و باید به واسطه مؤیدات جزایی جلو آن گرفته شود. یک مسلمان می داند که خدای تعالی مراقب اوست و بر اعمال او آگاه است و همواره هرجا باشد، خدا با اوست. این عقاید است که باعث می شود پیروان دینت مقدسه اسلامی کمتر به گرد جرایم بگردند و کمتر دامان خود را آلوده به گناه کنند. اما این تقوا و ایمان و عقیده برای همه یکسان نیست و بعضا دیده می شود که ضعف عقیده و ایمان، انسان را از مسیر هدایت به طرف ضلالت و گمراهی سوق می دهد تا جایی که همداستان شیطان شده و دست به جنایات هولناک از جمله قتل و کشتار می زند. روی همین اصل است که شارع حکیم بخاطر جلوگیری از چنین جنایات بزرگ، قوانین را جهت وقایه و جبران خساره ناشی از این جنایات وضع نموده تا باشد در روشنایی این قوانین و تطبیق یکسان آن بالای مجرمین، جلو هرج و مرج را در جامعه گرفت؛ لذا هیچ جامعه انسانی را در تاریخ نمی یابیم که به مصالح انسانها از جمله حیات ایشان اهمیت نداده و در مقابل ارتکاب عمل نا مشروع چشمان خود را برهم گذاشته و خشمگین نگردیده باشد.

شریعت اسلام در مورد پرهیز از ارتکاب اعمال مجرمانه از جمله قتل، بطور کلی تاکید فروان نموده و با مقرر نمودن مجازات دنیوی (قصاص، دیت و کفاره) و مجازات اخروی (دخول در آتش جهنم) انسانها را از ارتکاب آن منع نموده است.

6. منابع و مأخذ

1. قرآنکریم.
2. ثبت، ویلیام. (1384). حقوق کیفری بین المللی. ترجمه: سید باقر عباسی و حمید اهوری نظری، تهران: جنگی.
3. دانش، حفیظ الله. (1388). جزا شناسی. چاپ اول. کابل: مطبعه مستقبل کابل.
4. رضایی، فیض علی. (1389). مقارنه و تطبیق در حقوق جزایی عمومی اسلام. تهران: سازمان چاپ.
5. سعیدی، هوی. (1383). اسلام دین فطرت، جلد دوم. مترجم: مؤمن حکیمی. پشاور: پیغام.
6. سید سابق. (1371) فقه السنه. جلد چهارم. ترجمه: محمود ابراهیمی. تهران: چاپ چهار تیریز.
7. فایز، عبدالصیر. (1387). حدود و قصاص. چاپ دوم. کابل: سعیدی.
8. الزحیلی، وهبه الفقه الاسلامی و ادلته بحزاء السابع و الثامن. پشاور: فرید.
9. مؤمنی، عابدین. (1382). حقوق جزای اختصاصی اسلام. تهران: مهدیه.
10. نذیر، داد محمد. (1391) حقوق جزایی اختصاصی اسلام، چاپ چهارم. کابل: رسالت.
11. نذیر، داد محمد. (1388). حقوق جزای عمومی اسلام. کابل: ثقافت.

12. وانلی، احمد. (ب ت). احکام زندان. ترجمه: محمد حسن بکائی.

13. وزارت عدلیه. (1396) کود جزا جریده رسمی. کابل: مطبعه دولتی.